

A Study of the Magical Rituals of Lak People Based on Frazer's Sympathetic Magic Theory

YosofAli Beiranvand*
Ghasem Sahrai**

Abstract

James Frazer has introduced a theory called Sympathetic Magic to categorize different types of magic, which encompasses many types of magical rituals. According to him, sympathetic magical rituals, which are based on the association between meanings and imagination, are divided into two categories, homoeopathy and contagion. Regarding Homoeopathic Magic, it is believed that the similar absorbs and produces the similar. Furthermore, contagious magic relies on the principle that a thing can be affected by a part of it. There are rituals among the Lak people based on sympathetic magic. In this research, oral interviews and descriptive-analytical methods were used to study numerous rituals of this kind, so that their fields and basis can be determined and examined. The results indicated that magic is not acceptable among Lak people unless it properly solves someone's problems. The rituals based on homoeopathic magics among them include *Denoru*, *Howās*, planting greens, fortune-telling, *Alafe*, and some healing rituals. Moreover, the rituals based on contagious magic include personal items, umbilical cords, baby teeth, hair and nails, magic cures, *Avalghara*, and to some extent *Alafe*. This type of magic rituals is based on human contact. Of course, these beliefs are not common only among Lak people; there are similar beliefs in other Iranian tribes.

Keywords: James Frazer, Folk Literature, Ritual Literature, Sympathetic Magic, Homoeopathic Magic, Contagion Magic, Lak People

* Ph.D. in Persian Language and Literature, Lorestan University, Khoramabad, Iran, (Corresponding Author). yosofali.biranvand@gmail.com

** Associate Professor of Persian Language and Literature, Lorestan University, Khoramabad, Iran
ghasem.sahrai@yahoo.com

How to cite article:

Beiranvand, Y., & Sahrai, G. (2023). A Study the Magical rituals of the Lak People based on Frazer's Sympathetic Magic Theory. *Journal of Ritual Culture and Literature*, 1(2), 23- 39. DOI: [10.22077/jrcrl.2022.4067.1004](https://doi.org/10.22077/jrcrl.2022.4067.1004)





بررسی آیین‌های جادویی قوم لک با تکیه بر نظریه جادوی همدلانۀ فریزر

یوسف‌علی بیرانوند*

قاسم صحرائی**

چکیده

جیمز فریزر نظریه‌ای به نام جادوی همدلانۀ را برای دسته‌بندی انواع جادو مطرح کرده است که بسیاری از آیین‌های جادویی را در برمی‌گیرد. به نظر او آیین‌های جادویی که همدلانۀ هستند، یعنی از تداعی معانی و تخیل بهره می‌گیرند، به دو دسته مشابه و مسری تقسیم می‌شوند. در گونه جادوی مشابه باور بر آن است که مشابه، مشابه را جذب و تولید می‌کند. همچنین جادوی مسری بر این اصل تکیه دارد که با جزئی از یک چیز می‌توان آن را تحت تأثیر قرار داد. در میان قوم لک آیین‌هایی وجود دارد که بر اساس جادوی همدلانۀ قرار دارد. در این پژوهش با استفاده از مصاحبه شفاهی و به روش توصیفی-تحلیلی، بسیاری از آیین‌ها مورد بررسی قرار گرفت تا زمینه‌ها و اساس آن آیین‌ها بررسی و مشخص شود. نتایج به دست آمده در این پژوهش عبارت‌اند از: جادو در میان قوم لک پسندیده نیست، مگر آنکه مشکل کسی را به درستی حل کند. آیین‌های مبتنی بر جادوهای مشابه در میان این قوم شامل دنورو، هواس، سبزه‌کاشتن، فال‌گرفتن‌ها، الفه و بخشی از آیین‌های درمان‌بخشی است. آیین‌های مبتنی بر جادوهای مسری شامل وسایل شخصی، بند ناف، دندان بچه، مو و ناخن، درمان‌های جادویی، اول قاره و تا حدودی الفه است. اینگونه از آیین‌های جادویی بر پایه تماس انسان است. بیشتر این اعمال جادویی ویژه لک‌ها نبوده، بلکه در دیگر اقوام ایرانی نیز وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: جیمز فریزر، ادبیات عامه، ادبیات آیینی، جادوی همدلانۀ، جادوی مشابه، جادوی مسری، قوم لک.

* دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران (نویسنده مسئول)

yossofali.biranvand@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران

ghasem.sahrai@yahoo.com

۱. مقدمه

آیین‌های جادویی ریشه‌های روانی-اجتماعی دارند که بنا به نیازهای جامعه به وجود می‌آیند. جادو و جادوگر هر دو در زبان پهلوی یک واژه دارند و آن *kūyāt* است (فره‌وشی، ۱۳۸۳: ۱۶۱). جادو کردن نیز به معنی سحر کردن، تسخیر و افسون کردن است (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵ / ۷۳۴۲). به نظر «مالینوفسکی» جادو خرافات نیست، بلکه جاهایی که انسان بدوی نمی‌تواند به وسیله دانش، طبیعت را کنترل کند، دست به جادوگری می‌زند (Malinowski, 1944: 198). آیین‌های جادویی در بیشتر جوامع وجود دارد، دلیل این موضوع آن است که «ظاهراً مؤثر و دارای کارکرد است» (مور، ۱۳۸۹: ۱۸۲). هدف از جادو، جذب خواسته‌ها و دفع ناخواسته‌هاست. به نظر هدایت «ملت‌های کهنه بیش از ملت‌های جوان اعتقادات و خرافات عوامانه دارند» (هدایت، ۱۳۹۵: ۴). این موضوع درباره ایران که دارای تمدنی دیرباز است و قومیت‌هایی دارد که عمرشان هم‌پای این تمدن است نیز صدق می‌کند. به نظر می‌رسد جادو پیش از دین وجود داشته است، همچنان که فریزر در این باره می‌گوید: جوامع ابتدایی ابتدا جادوگر بوده‌اند تا اینکه دین‌دار باشند و دین برای آن‌ها کاملاً بیگانه است (فریزر، ۱۳۹۲: ۱۲۴)؛ با این حال با ظهور ادیان اگر چه باور به جادو کم‌رنگ شد، ولی به‌طور کلی از بین نرفت و اکنون نیز «جادوگری در همه جا وجود دارد» (Pritchard, 1976: 18). چراکه «انسان امروزی نیز همواره آرزوی معجزه دارد» (Malinowski, 1944: 199)؛ بنابراین می‌توان گفت بشر در طی زمان به جادوگری اعتقاد داشته است که گاهی به دلیل نداشتن دانش نسبت به پدیده‌های اطرافش این باورها پررنگ‌تر بوده است.

از طرف دیگر، بر اساس نظریه شرطی‌سازی ثرندایک (Edward Lee Thorndike) هنگامی که رفتاری در حضور یک محرک انجام بگیرد و به نتیجه مطلوبی بینجامد، یعنی پاداشی دریافت شود، آن رفتار بار دیگر نیز تکرار می‌شود (سیف، ۱۳۹۵: ۱۳۸). این موضوع درباره جادو باوران صدق می‌کند. کسانی که به آیین‌های جادویی باور دارند اگر در موقعیتی دشوار قرار بگیرند و با انجام دادن آیین جادویی از تنگنا خارج شوند، بار دیگر هم آن آیین را انجام خواهند داد. فریزر معتقد است که جادو باوران هیچ‌گاه به چگونگی جادو نمی‌اندیشند و فقط آن را انجام می‌دهند (Frazer, 1983: 15). این سخن فریزر نیز دلیلی است بر اینکه جادو بر شرطی‌شدن انسان‌ها مبتنی است.

آیین‌هایی در میان قوم لک وجود دارد که ساختارشان جادویی است. این آیین‌ها در بسیاری از زمینه‌ها وجود دارند. بسیاری از این آیین‌ها میان دیگر اقوام، مانند لر، کرد و... نیز دیده می‌شود و مختص قوم لک نیست. البته وجود آیین‌های مبتنی بر جادو، دلیل قبول نداشتن قانون علیت نیست؛ زیرا بعضی مواقع فقط در تنگناها به فکر جادو می‌افتند. «جادو بیشتر در جاهایی وجود دارد که نیروهای رموزی با تلاش‌های انسانی مقابله می‌کنند و او ناچار می‌شود بپذیرد که چیزی فراتر از محاسبات دقیق و تلاش‌های

وی وجود دارد» (Malinowski, 1922: 396). ناکامی و سختی همه جا وجود دارد و بالطبع باور به جادو نیز امری عادی به نظر می‌رسد. بیشتر قوم لک، به‌ویژه جوانان، به چنین آیین‌هایی اعتقاد ندارند و همین موضوع باعث می‌شود که در آینده‌ای نه چندان دور، این آیین‌ها به دست فراموشی سپرده شوند؛ بنابراین بهتر است ثبت شوند و مورد بررسی قرار گیرند.

۱-۱. مبانی نظری تحقیق

فریزر (۱۳۹۲: ۸۷) جادو را بر اساس اصول همدلانه (Sympathetic) و رابطه تداوی معانی و تخیل می‌داند. به نظر او جادو از دو اصل شباهت (Homoeopathic Magic/ the Law of Sim- ilarity) و سرایت (Contagious) بهره می‌گیرد؛ به بیان دیگر موضوعاتی همدلانه هستند که «یا شبیه یکدیگر هستند (جادوی مشابه) یا در تماس با یکدیگر هستند (جادوی مسری)» (Frazer, 1983: 14; Rheenen, 1991: 221-22). جادوی همدلانه «نیازمند شناسایی افراد، شخص یا نیروهایی از طبیعت است؛ برای نمونه اینکه بخواهید شخصی را به کنترل خود درآورد باید روی آن شخص و تخیل‌تان تمرکز کنید» (Ford, 2009: 86). جادوی مشابه بر این اصل تکیه دارد که «مشابه، مشابه را تولید می‌کند» (Frazer, 1983: 14; Rheenen, 1991: 222). نمونه بارز این جادو، نقاشی شکار در میان بومیان است. «شکارچیان تصاویری از بازی با نیزه‌ها را روی سینه‌هایشان برای تصور پیروزی‌ای که می‌خواهند به دست آورند، نقاشی می‌کنند» (Pritchard, 1976: 113-14). در میان قوم لک و برخی اقوام دیگر مانند لرها و کردها، اگر پسران خانواده‌ای در کودکی بمیرند، گوش بقیه آن‌ها را سوراخ می‌کنند تا شبیه دختران شوند و از مرگ در امان مانند.

جادوی مسری بدین معنا است که جزئی از یک شخص یا چیز بر کل آن شخص یا چیز دلالت می‌کند. «جادوی مسری بر این باور است که موضوعاتی که در تماس با یکدیگر بوده‌اند، حتی پس از آنکه ارتباطشان قطع شود، تحت تأثیر یکدیگرند» (Frazer, 1983: 14; Rheenen, 1991: 221). جادوی مسری «این اشتباه را مرتکب می‌شود که چیزهایی که یک بار با هم تماس داشته‌اند همیشه تماس خواهند داشت» (Dundes, 1999: 118). جادوی مسری درباره انسان «بیشتر چیزهایی را به کار می‌گیرد که زمانی بخشی از بدن او بوده‌اند» (Rheenen, 1991: 221). برای نمونه دندان، مو و ناخن پس از جدا شدن از بدن انسان، می‌توانند مورد جادو قرار بگیرند. در این رابطه حتی پوشش و وسایل انسان نیز جزئی از وی محسوب می‌شوند. این نوع از جادو که بیشتر برای آسیب‌زدن به دشمن است گاهی جنبه‌های مثبت نیز دارد؛ یکی از جنبه‌های مثبت آن نگاه‌داشتن پاره‌ای از لباس افراد حسود برای در امان ماندن از چشم‌زخم است.

هدف این پژوهش آن است که آیین‌های جادویی قوم لک را با تکیه بر نظریه جادوی همدلانه از «جیمز فریزر» بررسی کند و به سؤال‌های زیر پاسخ دهد:

- ۱- آیین‌های جادویی چه ابعادی از زندگی مردم لک را در بر می‌گیرد؟
 - ۲- جایگاه جادو در میان لک‌ها چگونه است؟
 - ۳- انواع جادو و علل پیدایش آن در میان قوم لک چگونه ارزیابی می‌شود؟
- این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی و نیز به صورت مصاحبه شفاهی انجام می‌گیرد. به این صورت که مبانی نظری تحقیق، به صورت کتابخانه‌ای و با تکیه بر نظریه جادوی همدلانه از فریز و آیین‌های جادویی قوم لک به صورت مصاحبه شفاهی گردآوری شده است.

۱-۵. پیشینه تحقیق

اسدیان خرم‌آبادی و همکارانش (۱۳۵۸) در کتاب باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام برای اولین بار به صورت علمی کوشیده‌اند باورها و آیین‌ها را در لرستان و ایلام ثبت نمایند. در این کتاب به آیین‌های اسطوره‌ای مردم روستاها و بخش‌های لرستان و ایلام اشاره شده است. رضایی نورآباری (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به بررسی درمان‌های سنتی بیماری‌ها در میان لک‌ها پرداخته است. عسکری عالم (۱۳۹۰) در کتابی به بیان قصه‌های عامیانه، چیستان‌ها و بعضی از نکات زبانی در میان اقوام لر و لک همت گماشته است. نجف‌زاده قبادی (۱۳۹۱) در کتابی ادبیات منظوم لکی، مانند مویه‌ها، مثل‌ها، چیستان‌ها و... را گردآوری کرده است. پاکدل (۱۳۹۶) برخی از آیین‌های لرستان را در کتابی گردآوری نموده است. حیدری و یاراحمدی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی اعتقاد به همزاد در میان قوم لک و دیگر اقوام پرداخته‌اند. با این همه تاکنون پژوهشی مستقل درباره آیین‌های جادویی در میان قوم لک انجام نشده است.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. نظر قوم لک درباره جادوگری

آیین‌های جادویی قوم لک و دیگر اقوام ایرانی متعلق به دوره معاصر نیست، بلکه در فرهنگ دیرپای ایران ریشه دارد؛ بنابراین از پشتوانه فرهنگی نیرومندی برخوردار است. جادو بنا بر اینکه هدفش خوب باشد یا بد به دو نوع جادوی سفید و جادوی سیاه تقسیم می‌شود.

جادوی سفید را جادوی سودرسان می‌دانند که بدون استمداد از نیروهای پلید، برای کارهای نیک و دور کردن ارواح زیان‌کار و حفاظت از انسان، حیوان و محیط زیست و شفای بیماران و جادوزدگان به کار می‌رود؛ ولی جادوی سیاه را امری زیان‌کار و ضد اجتماعی می‌انگارند که برای رام کردن ارواح زیان‌کار و نیروهای فوق‌طبیعی بدیمن و به منظور زیان‌رساندن به آدمی‌زادگان و تخریب و آدم‌کشی به کار می‌رود (پانوف، ۱۳۸۲: ۱/ ۱۸۷).

باور به پلیدی جادو برگرفته از دین زرتشتی است. «در نظام ثنویت، اورمزد که در جهان نور به سر می‌برد، همواره مورد دشمنی خصم آشتی‌ناپذیر خود، اهریمن، فرمانروای جهان زیرین است، یکی نماینده نور، راستی و نیکی و دیگری نماینده ظلمت، دروغ و بدی» (کومون، ۱۳۷۷: ۱۶۸)؛ بنابراین به کارهای پلیدی که جادوگران انجام می‌دهند کارهای اهریمنی گفته می‌شود. در میان لک‌ها و دیگر اقوام ایرانی کسی که به جادوی سیاه اقدام کند، منفور است و جادوگر شناخته می‌شود و کارش برابر با کفر و فساد به شمار می‌آید، اما کسی که جادوی سفید کند کار او را جادوگری نمی‌دانند؛ زیرا با این جادو ممکن است مشکل کسی حل شود. چنین فردی بسیار مورد احترام قرار می‌گیرد. در اسطوره‌های ایرانی نیز از جادوی سفید به قدرت تعبیر می‌شود. مثلاً زال در پیوند با سیمرغ بر افسون‌ها و نیرنگ‌هایی آگاه است که قادر بر درمان رستم و رخسار است. منتهی عملی شدن این آگاهی‌ها همواره با حضور و یاری سیمرغ است (مختاری، ۱۳۳۸: ۱۷۷).

بنابراین تقدس جادوی سفید در میان لک‌ها و اقوام ایرانی از پیشینه اسطوره‌ای نیز برخوردار است.

۲-۲. جادوهای مشابه

جادوهای مشابه بین مردم ایران و از جمله قوم لک فراوان دیده می‌شود. از جمله مظاهر این نوع از جادو آیین‌هایی مانند دِنورو، هُواس، سبزه‌کاشتن، فال‌گرفتن و الفه است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۲-۱. آیین دِنورو (Denoru)

زمانی که نخستین دندان کودک بیرون می‌آید، پدر و مادر کودک به منظور سپاسگزاری از خداوند و اظهار نیاز آشی به نام دِنورو می‌پزند. آش دِنورو با دانه‌هایی مانند گندم، لوبیا، عدس و نخود پخته و میان همسایگان تقسیم می‌شود (راوی ۶) با توجه به اینکه در این آیین باید دانه‌ها پخته شود، می‌تواند بر شباهت دانه‌ها و دندان‌ها دلالت کند. هدیه‌ای که همسایگان در کاسه آش نذری می‌گذارند نیز می‌تواند نمادی از شکرگزاری از خداوند برای درآمدن دندان‌های کودک باشد.

۲-۲-۲. آیین هواس (Howās)

آیین هواس یکی از آیین‌های کهن باران‌خواهی میان لک‌ها و لرها است که جنبه نمایشی و نمادین دارد. این آیین با ساز سُرنا و دست‌زدن آغاز می‌شود سپس: دسته‌هایی از زنان و کودکان روستا به روستای مجاور حمله‌ور می‌شوند و از قبل نیز

یک نفر از گروه مهاجم به اهالی روستای مجاور اطلاع می‌دهد تا جهت درگیری نمادین آماده باشند. اصل درگیری تا آنجا ادامه دارد که مردی ضمانت باران را بکند و به جنگ نمادین خاتمه دهد. بعد از آن یک نفر بی‌ریش را برگزیده و او را در هیبت دیو مبدل می‌کنند و عده زیادی دور او را می‌گیرند و دسته‌جمعی اهالی هر دو روستا به در خانه‌ها می‌روند و شروع به خواندن شعر طلب باران می‌کنند. آنگاه شخصی که به در خانه او می‌روند، اول مقداری آب روی سرشان می‌ریزد و مقداری آرد به آن‌ها می‌دهد و این عمل تا شب ادامه پیدا می‌کند. سپس با آردهایی که به دست آورده‌اند نان می‌پزند و در میان یکی از نان‌ها چوبی را پنهان می‌کنند، آنگاه نان‌ها را تقسیم می‌کنند. کسی را که چوب در نان او پیدا شود می‌گیرند و آنقدر کتک می‌زنند تا یک نفر بیاید و ضمانتش را بکند و بگوید که فلان روز باران می‌بارد. اگر تا روز تعیین شده باران نیارد ضامن او را کتک می‌زنند تا یک نفر دیگر بیاید و ضامن او شود. این کار تا آمدن باران ادامه می‌یابد (پاکدل، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۶).

این آیین نمایشی بر شباهت با زندگی واقعی کشاورزان استوار است. روستاییان با هجوم به روستای مجاور می‌خواهند بگویند که اگر باران نیارد، بیم آن می‌رود که انسان‌ها با یکدیگر به درگیری بپردازند.

۲-۲-۳. آیین سبزه کاشتن

در میان لک‌ها و دیگر اقوام مانند لر، فارس و... رسم است که پیش از نوروز دانه‌هایی مانند گندم، جو و... را در ظرفی می‌گذارند و آب می‌دهند تا سبز شود به گونه‌ای که در هنگام تحویل سال، سرسبزی را برای اهل خانه به ارمغان بیاورد. همچنین این سبزه‌ها را روی سفره هفت‌سین نیز می‌گذارند. همچنان که پیداست شباهتی میان سرسبزی سبزه و زندگی شاد وجود دارد. مردم ایران با این کار می‌خواهند تا پایان سال مانند سبزه شاد و خرم زندگی کنند. لک‌ها سبزه‌های عید نوروز را در سیزدهم فروردین به هم گره می‌زنند و به آب روان می‌اندازند. آن‌ها در هنگام گره‌زدن می‌گویند که درد و بلائی افراد خانواده را به هم گره می‌زنیم و به آب می‌اندازیم. میان گره‌زدن و نابود کردن نیز شباهت وجود دارد؛ زیرا هنگام گره‌زدن، سبزه‌ها به هم می‌پیچند و پژمرده می‌شود و انگار با آن ورد جادویی، بلا نیز همراه با آن سبزه نابود می‌شود؛ از طرف دیگر باور بر آن است که اگر با نیت ازدواج جوانان سبزه‌ها را به هم گره بزنند، بخت آنان باز می‌شود (راوی ۴). گره‌زدن سبزه‌ها می‌تواند نزدیک‌شدن انسان‌ها را به یکدیگر به ذهن متبادر کند.

۲-۲-۴. آیین‌های فال‌گرفتن

در میان قوم لک فال‌گرفتن جنبه جادوی مشابه دارد و اساس آن بر تداعی معانی است. در اینجا سه نوع فال را که در میان قوم لک رواج دارد بررسی می‌کنیم:

۱- فال شوشمکی (شب شنبه‌ای): در این نوع از فال، شخص فال‌گیر در شب شنبه نیت می‌کند و بر در خانه‌ای فال‌گوش می‌ایستد؛ نخستین سخنی که در میان اهل خانه زده می‌شود، به‌عنوان پاسخ نیت او به حساب می‌آید (راوی ۱۱). این نوع از فال بر شباهت نیت فال‌گیرنده و سخن اهل خانه تکیه دارد.

۲- فال چهل سرود: آن گونه که از تحقیقات برمی‌آید، این فال مختص قوم لک است (نجف‌زاده‌قبادی، ۱۳۹۱: ۹۵). در این نوع از فال، شخصی چهل عدد دانه تسبیح را می‌شمرد و افرادی نیز شعرهایی را که به آن‌ها چهل سرود می‌گویند به نوبت می‌خوانند. چهلمین دانه تسبیح به هر شعری بیفتد، شخص نیت‌کننده از آن شعر به فال خود می‌رسد (راوی ۱۲). این موضوع بر شباهت معنی شعر و تداعی‌های فال‌گیرنده دلالت دارد.

۳- فال با کله گوسفند: اگر بخواهند جنسیت بچه زن حامله‌ای را تشخیص دهند، کله گوسفند سر بریده را از قسمت فک باز می‌کنند. اگر ریشه‌هایی از گوشت در آن باقی بماند دلالت بر دختر بودن دارد و اگر گوشتی بر آن نماند نشانه پسر بودن است (راوی ۱۳). این فال نیز شباهت میان گوشت و موی بلند زنان را می‌رساند.

۲-۲-۵- آیین الفه

الفه (ælæfæ) آیینی است که در واپسین پنج‌شنبه پایان سال برگزار می‌شود؛ به این صورت که پس از آمدن از قبرستان و زیارت مزار خویشان، سفره‌ای برای مردگان برپا می‌دارند. بر آن سفره حلوا، خرما و نان می‌گذارند. آن‌ها پیش و پس از خوردن خوردنی‌های سفره برای مردگان خویش فاتحه می‌خوانند. نان‌هایی که بر سفره است باید به‌طور کامل خورده شود. لک‌ها و دیگر اقوام ایرانی معتقدند: مردگان در شب جمعه به سرای خویش بازمی‌گردند و آنچه برای آن‌ها خیرات شده، به ثواب تبدیل می‌شود و آن ثواب را با خود می‌برند. جالب آن است که در برخی خانواده‌ها علاوه بر آنچه گفته شد، سبزی، ماست و... نیز بر سفره می‌گذارند تا خورده شود، به باور لک‌ها انگور میوه‌ای بهشتی نیست و آن را بر سفره الفه نمی‌گذارند؛ زیرا از آن شراب درست می‌شود (راوی ۸).

۲-۳-۲. جادوهای مسری

جادوهای مسری نیز مانند جادوهای مشابه در بیشتر ابعاد زندگی ایرانیان و از جمله قوم لک رایج هستند. آیین‌های مبتنی بر جادوی مسری که در میان مردم لک رواج دارد در زمینه‌هایی مانند وسایل شخصی، اعضای بدن، درمان‌های جادویی و شب چله (اول قاره) است.

۲-۳-۱. آیین‌های مربوط به وسایل شخصی

وسایل شخصی با فرد تماس دارند و گویی که جزئی از او هستند. نمونه‌هایی از آیین‌های

جادوی مسری را درباره وسایل شخصی مورد بررسی قرار می‌دهیم:
۱- لک‌ها لباس‌ها را پنهان می‌کنند تا مبادا کسی آن‌ها را برای تسخیرکردن به کار بگیرد (راوی ۱۴)

۲- بستن کمربندی به همراه نان بر کمر عروس، دلالت بر آن دارد که آن نان و کمر بند از خانه پدر عروس می‌آید و برکت را به خانه داماد می‌آورد (راوی ۱۵) و در واقع با قانون جادوی مسری مطابقت دارد چون کمر بند و نان با خانه پدر عروس در تماس بوده‌اند.

۲-۳-۲. آیین‌های مربوط به اعضای بدن

به نظر فریزر اعضای از بدن انسان که بعد از قطع ارتباط با بدن، ویژگی‌های او را دارند، مطابق با جادوی مسری یا قانون تماس (The Law of Contact) است و با در دست داشتن این اعضا می‌توان صاحب آن‌ها را جذب کرد یا به او آسیب زد (Frazer, 1983: 14). در میان قوم لک و دیگر اقوام ایرانی بند ناف، دندان، مو و ناخن بعد از قطع ارتباط با بدن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار هستند.

۲-۳-۳-۱. آیین‌های مربوط به بند ناف

در میان لک‌ها، بند ناف از ارزش خاصی برخوردار است. «اندام‌هایی که عموماً تصور می‌رود که پس از قطع ارتباط فیزیکی همچنان ارتباط همدلانه با بدن را حفظ می‌کنند؛ بند ناف و مشیمه یا جفت جنین هستند» (فریزر، ۱۳۹۲: ۱۰۶). در میان لک‌ها رسم است که بند ناف را تا چهل روز بر بالین نوزاد می‌بندند و بعد از این مدت آن را زیر خاک پنهان می‌کنند.

در بسیاری از نقاط جهان بند ناف، یا بیشتر از آن، جفت را موجودی زنده، برادر یا خواهر نوزاد، یا شیئی مادی می‌دانند که روح نگهبان کودک یا بخشی از روح او در آن جای دارد. علاوه بر این، آن ارتباط همدلانه که تصور می‌شود بین شخص و جفت یا بند نافش وجود دارد آشکارا در این رسم عمومی مشهود است که جفت یا بند ناف را در شخصیت و آتیه هر کس و در رساندن او به حرفه خاص خود مؤثر می‌دانند (فریزر، ۱۳۹۲: ۱۰۸).

همچنین برخی از لک‌ها و دیگر اقوام، ناف را تا چهل روز پس از تولد بر چوبی کمان‌مانند یا سیخ می‌بندند (راوی ۴) که به نظر می‌رسد هدفشان تلقین حرفه شکارگری یا قدرت برای آن نوزاد باشد. قابله‌ای که ناف نوزاد را می‌برد باید ویژگی‌های شخصیتی پسندیده‌ای داشته باشد؛ زیرا آن ویژگی‌ها به نوزاد سرایت می‌کند. پیش‌ازاین، زنانی که در خانه زایمان می‌کردند بسیار مواظب بودند که قابله از نظر اخلاقی انسان بزرگی باشد (راوی ۴).

۲-۲-۳. آیین‌های مربوط به دندان بچه

هنگامی که دندان شیری بچه را می‌کشند، آن را پشت سرش می‌اندازند یا آن را خاک می‌کنند. لک‌ها و دیگر اقوام، بر این باورند که اگر این کار را انجام ندهند، دندان بچه زود خراب می‌شود یا مانند دندان گراز، درشت می‌شود (راوی ۱۶)؛ اقوام بومی آفریقا نیز چنین آیینی دارند برای مثال «باسوتوها در نهران داشتن دندان‌های شکسته دقت می‌کنند و گرنه ممکن است به دست موجودات اساطیری بیفتد که در گورستان‌ها سرگردانند و می‌توانند با جادو کردن آن‌ها به صاحبانشان صدمه بزنند» (فریزر، ۱۳۹۲: ۱۰۵). پنهان کردن دندان بچه به منظور جلوگیری از جادوی مسری است. هنگامی که نخستین دندان بچه بیرون می‌آید، برای او آتش دندان درست می‌کنند که به آن گنم‌دونه (Gænemdonæ) و به این آیین دنورو (Denoru) می‌گویند. کسانی که آتش نذری را می‌گیرند، هدیه‌ای در ظرف پخش آتش قرار می‌دهند (راوی ۱۶)؛ به نظر می‌رسد این آتش به منظور افزایش روزی برای بچه فراهم می‌شود که اگر چنین باشد، مطابق با جادوی مسری است. گندم جزء اصلی روزی و قوت غالب بیشتر ما است.

۲-۳-۳. آیین‌های مربوط به مو و ناخن

در زبان لکی، تیسکو (Tiskū) یعنی کسی که موی پرپشتی دارد. به فرد قدرتمند نیز اطلاق می‌شود؛ در واقع رابطه میان مو و قدرت کاملاً نمایان است (راوی ۶). گرشاسب نریمان که از پهلوانان بنام اسطوره‌ای است با صفت «گئسو»، یعنی گیسودارنده یا دارای گیس معرفی شده است (پورداد، ۱۳۰۹: ۱۹۹). ایزد بانوان مفرغی لرستان نیز با موهای بلند نقش شده‌اند (میرزایی و همکاران، ۱۳۹۸: ۵۹). این موضوع نشان از تقدس مو در نزد مردم ایران دارد. زنان لک و دیگر اقوام ایرانی، هنگامی که سر خود را شانه می‌کنند، شانه و موهایی را که در لای شانه می‌ماند در جایی پنهان می‌کنند تا از جادو در امان باشند. لک‌ها در بیشتر مواقع ناخن‌هایشان را نیز زیر خاک پنهان می‌کنند (راوی ۱۸) که ظاهراً به دلیل ترس از جادوی مسری است. به نظر می‌رسد این موضوع از دین زرتشت یا ادیان پیش از آن سرچشمه گرفته است و همچنان در ذهن مردم لک باقی مانده است. آن‌گونه که در ونیداد- فرگرد هفدهم- آمده است، آنچه می‌تواند نیروی دیوان را زیاد کند آن است که مو و ناخن بدون آداب خاص، دور ریخته شود (فرگرد ۱۷ بند ۱ و ۲) و این‌گونه است که دیوان دست به کار می‌شوند و خرفستران در زمین پدیدار می‌شوند (بند ۳ و ۴)؛ بنابراین اهورامزدا به زرتشت می‌گوید: «هرگاه موی خود را شانه زدی یا تراشیدی یا ناخن خویش را گرفتی، موی و ناخن جدا شده از تن را ده گام از مردم اشون، بیست گام از آتش، سی گام از آب و پنجاه گام از برس‌م دسته بسته دورتر ببر» (بند ۴). «پس آنگاه گودالی به ژرفای ده انگشت در زمین سخت و به ژرفای دوازده انگشت در زمین نرم بکن و آن موی و ناخن را در آنجا فروبگذار» (بند ۵: ۸۴۳). در ادامه می‌گوید: «اگر چنین نکنی ناخن‌ها به دست

دیوان مَزَندری می‌افتد و به‌صورت نیزه، خنجرها و... درمی‌آید» (بند ۱۰: ۸۴۴). همچنان که پیداست این‌گونه موارد برای جلوگیری از جادو شدن انجام می‌گرفته است و دیوان نمایندگان جادوگری به حساب می‌آمده‌اند. در روایات دیگر نیز آمده است: «موی و ناخن را باید به صحرا بردن و به زیر خاک نهان باید کردن» (روایات داراب هرمزدیار، بی‌تا، ج ۱: ۲۴۴). خاک به‌عنوان جایگاهی پاک مطرح شده است که می‌تواند انسان را از دست جادوی دیوان و جادوگران انسانی نگاه دارد.

در آیین زرتشتی اجزای جداشده از بدن انسان مو، ناخن و دندان... نباید با آب، آتش و زمین تماس داشته باشند تا مبادا دیوان به آن‌ها دست یابند و موجب ضرر و زیان به آفرینش اهورامزدا شوند. در صورت تماس، صاحبان آن‌ها گناه‌کار هستند و پادافراه این بی‌توجهی مرگ ارزان است (کهزادپور و باقری، ۱۳۹۵: ۲۱۲).

همچنین هنگامی که برای نخستین بار موی کودکان را کوتاه می‌کنند، آن‌ها را در پای درخت سرسبزی خاک می‌کنند تا موهای آن‌ها همیشه پُرپُشت باشد (راوی ۱۹). این آیین بر اساس جادوی مشابه است؛ زیرا بر تداعی معانی مبتنی است.

۲-۳-۳. آیین‌های درمان بخشی

به باور لک‌ها و اقوام دیگری مانند کردها و لرها، برخی افراد در درمان مردم بهره‌ای دارند. «بهره‌داشتن» از قدرت‌های جادویی برخی افراد است که به‌وسیله آن می‌توانند دیگران را درمان کنند. برخی به دلیل انجام کاری این قدرت را به دست می‌آورند و به فرزندان‌شان نیز ارث می‌رسد. در میان بومیان کشورهای دیگر نیز چنین باورهایی وجود دارد؛ برای نمونه، «افراد قبیله آزانده بر این باورند که سحر و جادو در اندامی نزدیک کبد قرار دارد و از پدر به پسر منتقل می‌شود» (مور، ۱۳۸۹: ۲۱۲). این موضوع بر وراثتی بودن جادو در میان برخی خانواده‌ها دلالت دارد. بهره داشتن ما را به یاد شاهان قدیم می‌اندازد که علاوه بر نقش شاهی، جادوگر نیز بوده‌اند؛ «یکی از دلایل محدود کردن این منصب شاهانه به یک خانواده آن است که این خانواده دارای افسون‌ها و طلسم‌های مشهوری است که اگر از خانواده بیرون روند اثرشان را از دست می‌دهند یا از بین می‌روند» (فریزر، ۱۳۹۲: ۱۴۹). گاهی فقط فردی که «بهره دارد» از این ویژگی برخوردار است. درمان‌های جادویی قوم لک بیشتر بر اساس جادوی مسری است که در ادامه به بررسی آن‌ها می‌پردازیم.

۲-۳-۳-۱. آیین درمانگری بیماری باینه

«باینه» (Bāynæ) یک نوع بیماری است که در میان نوزادان بسیار شایع است. این بیماری باعث گرفته شدن رگ‌های پشت گردن نوزاد و بالطبع جمع شدن خون در این ناحیه از

گردن می‌شود. لک‌ها و بسیاری دیگر از اقوام، معتقدند این بیماری به خاطر گذر پرنده‌ای به نام باینه و خواندن آن بر پشت بام‌ها به وجود می‌آید. درمان این بیماری از طریق فردی که به «باینه‌بر» معروف است انجام می‌گیرد. به این ترتیب که او پشت گردن نوزاد را می‌مالد؛ تا درد برطرف شود. همچنین با هدیه دادن تکه‌ای از لباس خود به بیمار، «باینه» را برای همیشه از آن نوزاد دور می‌کند (راوی ۲۰). در این مورد جادوی مسری را به کار می‌گیرد تا پرنده باینه از وی بترسد و دیگر در آن حوالی پرواز نکند.

۲-۳-۳-۲. آیین بهره‌مندی از باتزی و درک (Derk) (سیخ کشیدن)

باتزی (Bātæzbī) نوعی گرفتگی شانه و گردن است که درد بسیار زیادی دارد به گونه‌ای که فرد را از کار روزمره باز می‌دارد. مردم لک می‌گویند: اگر کسی بتواند بچه گراز را با یک دستش خفه کند و در آن هنگام، عناصر طبیعی حاضر مانند کوه، سنگ، درخت و... را شاهد بگیرد، بهره درمان باتزی را می‌یابد. کسانی که به باتزی مبتلا می‌شوند، نزد چنین فردی می‌روند (راوی ۲۱) این درمان جادویی بر اصل شباهت تکیه دارد. فرد درمان‌گر همان‌طور که بچه‌گراز را خفه کرده است، جایگاه درد بیمار را محکم می‌مالد تا آرام بگیرد. «درک» نیز همان سیخ کشیدن اعضای بدن و نیز گرفتگی است. در چنین مواقعی به نزد «درک‌پر» می‌روند. چنین شخصی نیز بهره «درک بریدن» دارد. گاهی او همان بهره باتزی را دارد. گاهی نیز زنی به دلیل آنکه دوقلو زاییده است، چنین بهره‌ای دارد (همان) شاید به این علت که در هنگام حاملگی مجبور بوده است دردهای زیادی را تحمل کند.

۲-۳-۳-۳. آیین زردی بریدن

لک‌ها برای دفع زردی پوست، نزد شخصی دارای نیروی جادویی می‌روند تا آن را از بین ببرد. فردی که در اصطلاح «زردی‌بر» است با تیغ، اندکی از پوست فرد بیمار را می‌خراشد؛ تا خون بیاید. گاهی نیز سیلی محکمی بر صورت بیمار می‌نوازد تا بترسد و بیماری از او دور شود (راوی ۴). در این آیین، فرد زردی‌بر با اصل سرایت می‌کوشد بیمار را درمان کند. بدین روش که پوست دلالت بر یک بیماری درونی دارد که در جگر بیمار است و فقط نشانه‌ای از آن در پوست آشکار می‌شود؛ از طرف دیگر دست جادوگر دلالت بر خود او دارد که بیماری را از بیمار دور می‌کند.

۲-۳-۴. آیین اول قاره (ævval qaṛæ)

اول قاره در شب یلدا برگزار می‌شود. این آیین میان لک‌ها و لر‌ها مشترک است. در زبان لکی و لری قاره به معنی فریاد است. با توجه به اینکه یلدا نخستین شب زمستان است می‌تواند به معنی نخستین بخش باشد. این آیین بدین صورت است که اهل خانه تنقلات، گندم برشته، کشمش، شاهدانه، دانه کندر و... را در این شب می‌خورند. در این شب

کودکان و نوجوانان به صورت ناشناس به پشت‌بام همسایگان می‌روند و ظرفی را به وسیله طناب به درون حیاط آن‌ها آویزان می‌کنند و این شعر را با صدای بلند می‌خوانند:

اول اول قهاره خیر ده هونت بواره
نون و پنیر و شیره کیخا هونت نمیره

برگردان: امشب اول قاره است، امید است که به خانه تو خیر بیارد. نان و پنیر و شیره، کدخدای خانه‌ات نمیرد.

سپس اهالی خانه از تنقلات و دانه‌هایی که در خانه دارند در ظرف می‌ریزند و طناب را تکان می‌دهند؛ تا بچه‌ها ظرف را به سمت بالا بکشند (راوی ۷). طبق قانون سرایت، آوردن نام شخص می‌تواند بر آن فرد دلالت کند پس اینکه دعا می‌کنند که کدخدای خانه نمیرد، خود دلیلی استوار است بر اینکه صاحب‌خانه نذری را ادا کند و نیاز بچه‌ها را برآورد؛ از طرف دیگر دانه‌ها جزئی از روزی و دارایی روستاییان به شمار می‌آید. مفهوم رمزی آن می‌تواند این باشد که صاحب‌خانه آن‌قدر از نظر روزی بی‌نیاز است که مقداری از آن را به بچه‌های ناشناس می‌بخشد.

۳. نتیجه‌گیری

در ابعاد گوناگون زندگی قوم لک، آیین‌های جادویی‌ای وجود دارد که در این پژوهش تعدادی از آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نظر کلی قوم لک نسبت به جادوی سفید مثبت است و کسی که از روی خیرخواهی دست به چنین کاری بزند، کار شایسته‌ای انجام داده است؛ ولی کسی که از جادوی سیاه بهره بگیرد، جادوگر شناخته می‌شود و کارش برابر با فساد است. آیین‌های مبتنی بر جادوهای مشابه در میان این قوم، آیین‌های دنورو، هواس، سبزه‌کاشتن، آیین‌های فال‌گرفتن (شوشمکی، چهل‌سرود و کله‌گوسفند)، الفه و بخشی از آیین‌های درمان‌بخشی را در برمی‌گیرد. این‌گونه از آیین‌های جادویی بر تداعی معانی و شباهت مبتنی است. آیین‌های مبتنی بر جادوهای مسری شامل وسایل شخصی، بند ناف، دندان بچه، مو و ناخن، درمان‌های جادویی (بیماری باینه، بهره‌مندی از درمان‌بخشی باتزبی و درک و زردی بریدن)، اول قاره و تا حدودی الفه است. این‌گونه از آیین‌های جادویی بر پایه تماس انسان است. با اینکه نتایج به‌دست‌آمده بر رواج جادوی همدلانه در میان قوم لک اشاره دارد، هیچ‌کدام از جادو باوران لک دلیل آیین‌های خود را نمی‌دانند. امید است که از این به بعد، آنان دلیل انجام دادن آیین‌های خود را بدانند. البته این آیین‌ها فقط مربوط به قوم لک نیست و در دیگر اقوام ایرانی نیز وجود دارد.

پی‌نوشت‌ها

۱- در این مقاله برای ارجاع به راویان باورهای جادویی قوم لک به شماره راویان که مشخصات آن‌ها در جدول زیر آمده است، اکتفا می‌شود:

شمارهٔ راوی	آدرس	شغل	میزان سواد	سن	جنسیت	نام خانوادگی	نام
۴	خرم آباد - روستای میل میلک	خانه دار	بی سواد	۶۳	زن	بیرانوند	شیرین
۵	شهرستان خرم آباد - خیر آباد	کارمند اداره برق	کارشناسی	۴۶	مرد	پاورنج	عبدالعلی
۶	خرم آباد - روستای میل میلک	راننده	دیپلم	۴۲	مرد	بیرانوند	مهران
۷	شهرستان اندیمشک	خانه دار	زیر دیپلم	۴۴	زن	بیرانوند	زهرا
۸	شهرستان خرم آباد	خانه دار	دیپلم	۳۲	زن	عابدینی	دلبر
۹	خرم آباد - روستای بلیوند	خانه دار	بی سواد	۶۵	زن	پاورنج	طلا
۱۰	خوزستان - شهرک بهرام	دامدار	ابتدایی	۴۵	مرد	منصوری	عباس
۱۱	شهرستان - خرم آباد	نظامی	کارشناسی	۴۰	مرد	بیرانوند	ولی
۱۲	شهرستان - خرم آباد - روستای میل میلک	کشاورز	ابتدایی	۴۰	مرد	بارانی بیرانوند	شیرمحمد
۱۳	شهرستان - خرم آباد - روستای میل میلک	خانه دار	بی سواد	۶۶	زن	دالوند	فرنگ
۱۴	شهرستان خرم آباد - روستای دره عباس	پرستار	کارشناسی ارشد	۳۰	مرد	طاهری	حمید

نام	نام خانوادگی	جنسیت	سن	میزان سواد	شغل	آدرس	شمارهٔ راوی
مهتاب	مارابی	زن	۳۵	دیپلم	خانه‌دار	شهرستان خرم‌آباد- ساکن روستای میل‌میلک	۱۵
زینب	بیرانوند	زن	۳۴	دیپلم	خانه‌دار	شهرستان خرم‌آباد- ساکن روستای بلیلوند	۱۶
اکرم	بیرانوند	زن	۳۱	کاردانی	خانه‌دار	شهرستان خرم‌آباد- ساکن روستای میل‌میلک	۱۹
نرگس	پاورنج	زن	۴۵	دیپلم	خانه‌دار	شهرستان خرم‌آباد	۲۰
محمدعلی	کاظمی	مرد	۵۲	بی‌سواد	راننده	خرم‌آباد- روستای ده‌محسن	۲۱
محمدرضا	بیرانوند	مرد	۳۷	دیپلم	کشاورز	شهرستان خرم‌آباد- ساکن روستای میل‌میلک	۲۲

کتابنامه

- اوستا. (۱۳۸۵). گزارش و پژوهش جلیل دوستخواه. ج ۲. تهران: مروارید.
- اسدیان خرم‌آبادی، محمد؛ باجلان فرخی، محمدحسین؛ کیانی، منصور. (۱۳۵۸). باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام. تهران: وزارت فرهنگ و آموزش عالی.
- پاکدل، بهزاد. (۱۳۹۶). آیین‌های لرستان. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- پانوف، میشل و پرن، میشل. (۱۳۸۲). فرهنگ مردم‌شناسی. ترجمهٔ اصغر عسکری خانقاه. تهران: سمت.

- پورداود، ابراهیم. (۱۳۰۹). ادبیات مزدیسنا، یشت‌ها. دو جلد. بمبئی: انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی بمبئی و ایران لیگ.
- حیدری، علی؛ یاراحمدی، مریم. (۱۳۹۷). «همزاد و جلوه‌های آن در باور قوم لک». مجله فرهنگ و ادبیات عامه. س ۶. ش ۲۰. صص ۲۵۰-۲۲۵.
- دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه. ۱۵ جلد. تهران: دانشگاه تهران.
- رضایی نورآبادی، علی‌عباس. (۱۳۸۶). طب و درمان عامیانه بین قوم لک. مجله نجوای فرهنگ. ش ۵ و ۶. صص ۸۴-۷۱.
- روایات داراب هرمزدیار. (بی‌تا). (صحافی شده با فالنامه زرتشتی). بی‌جا: نشر: بی‌نا.
- سیف، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: نشر دوران.
- عسکری عالم، علی مردان. (۱۳۹۰). افسانه‌ها و باورداشتهای غرب ایران. تهران: آرون.
- فروهوشی، بهرام. (۱۳۸۳). فرهنگ فارسی به پهلوی. تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
- فریزر، جیمز جرج. (۱۳۹۲). شاخه زرین، پژوهشی در جادو و دین. تهران: مؤسسه انتشاراتی آگاه.
- کومون، فرانتس. (۱۳۷۷). ادیان شرقی در امپراطوری روم. ترجمه ملیحه معلم و پروانه عروج. تهران: سمت.
- کهزادپور، نجمه و باقری، معصومه. (۱۳۹۵). «آداب چیدن مو و ناخن بنا بر فرگرد هفدهم و نندیداد». مطالعات ایرانی. س ۱۵. ش ۲۹. صص ۲۱۷-۲۰۱.
- مختاری، محمد. (۱۳۳۷). حماسه در رمز و راز ملی. تهران: دانشگاه.
- مور، جری دی. (۱۳۸۹). زندگی و اندیشه بزرگان انسان‌شناسی. ترجمه هاشم آقاییگ‌پور و جعفر احمدی. تهران: جامعه‌شناسان.
- میرزایی، محمد؛ بیرانوند، یوسف‌علی؛ سجادی، علی. (۱۳۹۸). «بررسی و تحلیل نمادهای باروری در سرسنجاق‌های مفرغی لرستان». مجله زن در فرهنگ و هنر. دوره ۱۱. ش ۱. بهار ۹۸. صص ۶۳-۴۷.
- نجف‌زاده قبادی، امیدعلی. (۱۳۹۱). ادبیات عامه لکی. خرم‌آباد: شاپورخواست.
- نجم‌آبادی، محمود. (۱۳۷۱). تاریخ طب ایران. ج ۱. تهران: دانشگاه تهران.
- نظامی، الیاس بن یوسف. (۱۳۹۲). خسرو و شیرین. تصحیح بهروز ثروتیان. تهران: امیرکبیر.
- هدایت، صادق. (۱۳۹۵). نیرنگستان. چاپ ۳. تهران: جاویدان.

- Frazer, James George (1983). *The Golden Bough; A Study Magic and Religion*. London: Macmillan Press.
- Dundes, Alan (1999). *International Folkloristics*. New York: Roman & Littlefield Publishers INC.
- Ford, Michael (2009). *Naos; A practical Guide to Modern Magick & Additional Satanic texts*. 2ed. Houston: Succubu Production.
- Hiebert, Paul. G (1983). *Phenomenology and institutions of animism*. Classroom notes from M620 at fuller theological seminary. Pasadena: Calif.
- Malinowski, Bronislaw (1922). *Argonauts of the Western Pacific*. London: George Routledge & Sons.
- Malinowski, Bronislaw (1944). *Scientific Theory of Culture and other Essays*. Chapel Hill: University of North Carolina Press.
- Parrinder, Geoffrey (1976). *Mysticism in the World's Religions*. 1ed. Oxford: Oxford University Press.
- Pritchard, E Evans (1956). *Nuer Religion*. Oxford: Claredon Press.
- (1976). *Witchcraft, Aracles and Magic the Azande*. Oxford University Press. New York.
- Rheenen, Gailyn Van (1991). *Communicating Christ in Animistic Contexts*. Pasadena, California: William Carey Library.

